

سو سیال شو بینیسم :

رزنمدها به زیر پروژه کار ۹۶

آیه‌که روزمندان از نصف میلعت دعای از موده‌های مردم
و اسلام ایران "در بوارو سپاه امیر پسر اسلام رای زوی کار
آوردن حکومت و آنسته به امیرالاسلام" مدینه دارد چنان‌می‌گویی
هر نصف میلعت دعای از حکومت اطلاعی است روزمندان در رسانه
ارسال صریح این شتر خود غیره می‌بینند. سپه‌حال لزم نسبت که
دعا برای میتوون گشتن سطر و سمع و روشنگران از دل عمارت
علقی، دوپیش و ایامه آمیر اوسه خود رحمت داشتم. روشنگران
خود روحید صفت نه بسط و دعای از موسم خود همراه‌دارد و
هزجه سخن نه اسکار مادر و میزد. همشتر و به مرحله‌گذشتن
گویند ای اکابر که آنسته و قدم به ندم به همان فرمول رسیده‌ای می‌گویند
بردیک می‌نود که "اکتربت" در آغاز بسته‌داده سود. بددهومندان
نه ایبوروسیم همید برخورد سه هشت" (صیمه روشنگران
شماره ۱۴) و "درسارة جند و ایگردیک حکومت‌ها" [معنیه روزمند-
دان ۲۵، ۸/۶] که در این مقالات روشنگران به بسط و دعای از موضع
جوه برخاسته. جویی برخاستم.

در مقاله "ایور-توئیسم چند در بحث‌ورود به جنگ" که در آن روز مندگان از موقع خود در برایر موضع اتفاقیان - هم‌جهان‌سازی و پروردگاری - بسکار دفاع می‌کند در مورد ساخت جنگ می‌نویسد: "آن... سیاست که امیرپاشا اسم آمریکا، حکومت عراق و منحدران آن (...) و دشمنان مغلوب را درگیر می‌بند (ساده ماضی خود) به جنگ و اسلام مغلوب مغلوب نمایند و اینها را با این امیرپاشا - ایام - با ارتضای ماک در گذشتگی هسته و مایه و زیارتی می‌بیند و حکم که سوط تدوین می‌نمایند - اینکه سوط "کشته معین" خود را بزینه ازین شکو سعد شده سوتل از جنگ اتحاد شده بود. و نه می‌دانند که اینکه این سلطه ایام اینچه خوب است. ما می‌خواهیم این ایام دلیل اینچه خوب است و اینچه آمریکا، عراق، بخسار و اوسی و ارجاع اینچه ایام را می‌خواهیم بدانند. ایام ایکت" را می‌دانند.

ما سلطرات خود را در مارکت های مردمی، استوان و غیر ای باعث فسی
له که لر طبیق آن دستمال می کردند و ناسا پرسشی که این جنگه تدریش و اینجا به
زیرست و ممتازه زنگنهان، همچنان در میانه این میراهای ایرانی، افزون بسیار
بوده است، بین ازان در میانه ایشان که در تسوی موسسه لسم ۲۰۰۰ تا
نه تضمیل بینان داشته اند، همچنان در اینجا کوشیده من که اساسی
کارکری بروانه شری - باشکن دفاع از این اندیشه در برادران - نیز
برخواهد از این شرایط در میانه خود شکوهان این ایام همراه با
آنرا که گویند «فروعله گوره بوره»، معاذ ۱۵۰ و درینجا
نمایم، و تاکنید کوئیدم که در سواباط کوشی همچنین باشکنی
برویلیزی دفاع از این اندیشه برا در جنگ بین ایران - ایشان
کارکری و کوشیده می باشد، و دفاع از این باشکنی، و باشکنی
با اندیشه که در این اندیشه از این ایشان می باشد می باشد
آنرا که گویا این اندیشه از این ایشان می باشد و باشکنی
می باشد که اکنون شمام در قابله این هنرها، و دهه های آخر که در این
وضعیتی که در این شمامه در برخواهد ادامه می رسد می باشد
نه لذات و موارد می باشد که در این ایشان می باشد در این ایشان می باشد
نه این دادن این موخره است که جتویه از زمینه کان، سوسان
هماننده حجول و سهان شومده، اینکه عنقر کامل می باشد همانی
را اشکن کنند و از اینجا شروعهندیان ایشان را بروانه می کنند، و سایر می
موده اند و همچنان می باشد رسیده اند که همان ایشان را کنند، ما کار
کن بر ایشانه بوده، در این کروهندیان ایشان را بروانه می کنند - سایر ایشان
کار ۵۶ یعنی یکم ما می بینیم شمعی اسرا ایشان و ایکون های موسیان
همچنانی را تشکیل کنیده، از نظر این اندیشه، تبارا وات و میرور -
نمایشی ایشان را کارکرده و است رومیگان و ایکنوب، و ایسر
می کنند، ولی همانکوشی که می باشد دست از سده سفر سایر
اعیانی این نفاوت ها و نسبا برای میان این میانه دستان ایشان را بروانه
می بینیم و سهان نویم امروز صرفا سعادوی هایی است عالمیان
که وی ویوری در درجه و خاصیت «جب سو و بیا» را استدی - سهان در
اسوسوان - و عویض میترکی که آسان تحملوا و در بیوشی
با کیمی شلیمه و دستمال مرکنده.

روزمندگان نیپارگو شدند، است که مریم طرح "خد سنتنل
کامونیستها دربرابر شهادت عراق" و تاکید مبنی بر خطا و ترد
نخالانی "زمام جمهوری اسلامی خود را از "اکترپت" روسان و روسا
در سرده بروولتاریای آزاده - تعبیر سازد و مسامنی نشان دهیم
که چونکه در پوشش "خد سنتنل کامونیستها" همان سوال شو -
همستی را طرح ننمایم و دهنایل می کنند که "اکترپت" این همچو
جعب و حماشی آنکارا سیروی آنرا در دست دارد. اما بعیسی از برادرانش
نه این مطلع است. و بعیسی آنکه متفق خواهد آن صوره را بهم ساخت
بیستنیم که گفته استدلایلات و چوپر منترنگ موقعیت سوال شوندگانش
رو بجهت و سرگدام می باشد انسوار است؟ کارخان را از دارویی
نظرات روزمندگان جنوب - گرهج آنطور که او سیر بینانه های
برمندانه و مصبعه ها برمی آید این بحالت سفر در رجال وضع است -

در سیاست شماره ۴ (۱۳۷۷/۱) که مصوّر می‌شود، رأی جهان
ساقط بسایه شماره ۱ (۱۳۷۷/۱) مادر شده است. و رسیدگان
ظرفیت خود را در مارکت‌ها می‌بینند. اهداف آن تحقیق

به استناد و آشکاره شدنی انداده ساخته راهی آسان پیشاند، راه کارگر باز هفت سیپاراگر مکنی سطح را فروزانه کرد و آست: «کشور اسلامی بیک حکومت و انسنه به امیریها لیسم و دست نشانده آن شیعت، بایک حکومتی است مسلمی ...»، «جهاتیان جنگ را بک جنگ شجاع و توانه ای طوف عراق می دانم؟ ... همینه سه این دلیل که جنگ عراق با گکوت اسلامی بیش از آنکه با حکومت اسلامی باشد با خلیل مامت، زیرا اگر دوستیمجه این جنگ، و او طریق این جنگ حکومت اسلامی سرنگون شود، ایران استقلال می اسخ بخود را از دست مواجه داد». و نتیجه هنگیود: «کنونیتمها باشد در حق مقدم معاوره علمیه معاویر عراق و مهدان آن باشند... هر هر شروع عده کردن معاوره سازه ای ارتقا داخلی در لحظه گنویسی اخراج از الزامات معاوره ای انتقالی است که در عمل به تصریب موافقن مرموم مادر روابر امیریها لیسم مشتبه می شود».

این بین سهیت را بادآور میگردید که هر کاره خبرات سپاه
شنبوستها از دولت "متغلل و محاواسه" سخن بیگوند در حقیقت
این از ذکر حفظ طبیعتی این دولت طفه میروند، سخن ایمان
جهة جا بررس دولت های سوروزواری توانسته "متغلل" و "لیلی"
است. (فرموده سوروزواری هم که خبرات این امن حد شفته و شدای
آنست خوش از سوروزواری است! این "ساوسنگی" و "استقلال"
دولت سوروزواری شعبوی اسلامی است که مورد تحسین افاضان
موسیوال شوئندگان بودند، در قدران را عرض رسید آقایان نسا
تکالیف کارگران و روش ناشد! با این سکرچ چه شماره دیگری
نیز شدن مانع نداشت این مسؤول رفوبیستهایی که به لیسان
مارکیسم درآمداند و پنهان عالمون سعادت سوروزواری را در حمیث
کارگر کنی اتفاق نداشتند، روش عاریم این است که اولاً دولت
سوروزواری "متغلل" (عنی، "وتابا وسسه" و مدارک ای استقلال
سیاسی کشته بدمایه ای ای خلسطه ضاغف و "صدیق" با اینسر
اینرا نیز مدارد؛ ثانیاً "دولت سوروزواری متغلل" شما اینها نمایند.
ای سوروزواری است و اولین طالب مسیوپال - وزرسپیتی هر طبقاً
لذات برپله ای این میباشد! نادانه مثلاً "دولت سوروزواری متغلل"
صیغه درسته فقط سوروزواری کشور مخدلسه، ملکه درست
سوروزواری کشور منزه بدل نمودن ایران سرکوب جرمیان برویان
استثنای خدمت گوشه و بومجه در سوابیل مخک ما را بخوا کمال میسے
نمودن ایران سرکوب ایشانه ایشانه... سیاسی حضن کارگری و گفتگو.
مسیحی ایران خدمت میکند و در اینها... چنگ کشته نه نامه "استقلال"
ایران، بلکه در سی ایجاد آن مسایسات ساسی لایم در عصوب
سوروزواری ایران میباشد که در این طبقه را در ارجام بورس
نمیباشی اس سرکوب فطهنی استلات ایوان آمامه و تجھیز سایه.
این بواره را منحرو روش میباریم.

ماعیت توافق با زمان بود، و نسخه‌ای که رزمدگان
سکار میرد و تراوید قدرست و کمیته نسخه‌الله، شرافت، کمیسیون،
خلیل، شوری! دارد من گفته‌ام، جنگکوئه مخالفت داشتم باشیم،
وزمندگان شر ماسند هر خود دیگر ماجده آزاد بورزوآ شرسی در
انتخاب رسان خود آزاد است و ماسند هر خود بورزوی است عما که
در معنوی رسواهی قرار گرفته می‌تواند اصل‌الایات، واحدون داشتن
ضمحلی از مقیوم آشیا چه و راست نکار گند، آنچه برای
سامهم است استیت که رزمدگان در لایه مارکیم چند ایران
و تراوی را آزاده ساختندست این می‌باشد، با این حال منتقد
وبابورزویی! "بعضی هنگی کدام مردم را بیشتر و بالاتر ملی" می‌گفت
معروفی می‌گفت و اعلام می‌گفت: "که همین حافظ علمی ششم مداستالیسی
بودن هردو [د]و طوف هنگی، او نظر متعاق در ازیره و دنی آسی
نوده های چه ملتکن سپرورد و پایانست طرفین شناخته فراوان دارد".
و سال‌آخیر رزمدگان در اینجا ابراز داده که ساکنگی "صف
مسئل کوستها در مفاصله سا شهاب... اوراسا" رژیسم
جمهوری اسلامی همچو مینعادم".

قبل از شروع مبحث خود، آخوند فرمول استنباتی و رونمایش را درسارة ماست جست، سپس رسم جهودی اسلامی و مانعی شاکنگ گوئیمیتها، که در مقاله "درسارة منگ و گومونیتها"^۱ معرفته نموده استدکر می‌نماییم:

- ۱) «جنت ایران و عراق» حوزت جنگی تهاواری از جانب عراق و
جنگی دفاعی از جانب ایران و آنکه کفره است. تهاواری
عراق نه فقط برعلمه رئیس جمهوری اسلامی، بلکه مذهبین
و دادگل برخلاف افکار، و استثنای ماسی ایران می‌باشد.
- ۲) قرآن حضوری اسلامی کرده دفاعی از استقلال ماسی است

از پیش تر زندگانی، آنها می‌باشد؛ این میان خود می‌باشد؛
من نداشتم خود که نمودن می‌باشد. نوشته‌های مذاخنی
۴) "اسپنهن چنین هستند که نمودن می‌باشد. نوشته‌های مذاخنی
هاد است منشود، ارجاعی می‌باشد. مخصوصاً مخصوص کرده" . "مکنی دفعه‌ی
در پر ابر شناور طراق و قوه‌های امیریا لیسم چنکی بر
جای بوده و درجهت متفرقی خلق ایران بولعله امیریا مخصوص
و به شمع نوهد های غلق می‌باشد، جراحت سواره در راه
استقلال می‌باشند و جلوکنی از مذکوت شدند سراسی امیریا
لیسم شدن موئی در پیش سود و رسید مبارزه طلبانی ایران
داشته... "نوده های مردم ما... بهبودجه اجراء
نموده اند که استقلال می‌باشد که شان مانند گذشته بازیاره
اواده امیریا لیسمی کرده و آنها می‌باشد سلطنتی می‌باشی
دویاره احبا کرده" . آنها در اولان نه بخاطر دفاع از
حکومت، بلکه سرای حفظ مسما و هاده ای انتقام و سرای جلوه
کمربی از سریاد رفتن آن مقدار استقلالی که سوانح قمام
سینه مدت آورده بودند، راهی می‌بیند سرود ساخته و ریگ
آن عرفی نمدد". (ناکید و نماره کاری از ماست).

آن مقدار استقلالی که "نوده های مردم ما" بر اثر قبیام بهمن بدست آورده بودند ، عبارت است از حکومت اسلامی عجینی و شرکا ، که سیاست مدبولی امیرپارسیم " رابه بیشتر زرد و داریک " که امیرپارسیم آمریکا و عربستان را مژده کردند این حکومت دست به شهادت زده است و وزیر هم جمهوری اسلامی در چهارم آبان نخواست از آن مقدار استقلال سیاسی ایران دفاع می کند ، گوسمتینها نیز موظفند که سایه استقلال سیاسی از قاع دنیا از استقلال سیاسی ایران بگلور متنقل از حکومت بیانگر و پادشاه این مقیددار استقلال سیاسی که شایسته به دفاع رخوبید !

چند لزم بود که رزمندگان اینقدر بیچ و سایر محورهای شنا
همان ملسوی راکه اکنون متده شکارهای شود به معرفت امام درجه
کلمه درموده گردید اینست، به این حوره مطلع، بی مردنه و بسا
کلمساتی که به زیر درداده عبارات گفته شده استواره گردید
“جب آشنا حقیقت گردد بیان کند؟” آنکه بعید است همچ زود دسترسی
در جهند کلمه می گویید: دفاع از اسلام، آزادی و استقلال ایران
در لحظه حاضر بعنی دفاع از جمهوری اسلامی! و اسما را دادگاری
مار این مژمت را رسمندگان دارد که اگر توان این نادین خس

۱- بی دون مراسیرادی از معاشرخانه این با آن دولت امپراتوری پیشی برپیگارد. و همین حکومت مستقل‌ها و اسنه سیاست های نو را دادند که در پاسخگویی به نیازها و فروبریات هر کث موابایه از امن مقطع شخصی، سیاست ارشادی سرکوب جنیف کارگری و کموستی، اعماق حقوق دموکراسیک مردم و مساوی دستاوردهای اسلام تعریف کرده است. همین حکومت مستقل ونا و اسنه است که مسوادهای پیش بود این سیاست را نیوهای قوهای شفاهی شعبین نمسوده است. همین حکومت مستقل ونا و اسنه است که بی دون دستورگیری منع رامانیده داری و معاواه با سفارخانه بک دولت امپراتوری لیستی، سفاس درین و اغیل نرسن طرقی سا سور. او غاب، سور و کسرا را بیداگردید امت! گلوهای بیستل و "دادا میرپاری لیستی" بـ"سران" دل این پیش کارکردنی ای ترور و اعدام مستقل و "خدا میرپاری لیستی" بـ"سران" نهادنین پیش کرد و نیمه ای بیستن مستقل و "خدا میرپاری لیستی" چـ"باـ" سیاسته داد! توقیف و سانسور مستقل و "دادا میرپاری لیستی" "مشـ" و "نمـ"! بـ"معن مستقل و "دادا میرپاری لیستی" فعالیت‌سیاسی! اینها مستقل و "دادا میرپاری لیستی" "جاد کرد! سعادوان مستقل و "دادا میرپاری لیستی" بـ"سران" و دریک کلام ، نهادنی مستقل و "دادا میرپاری لیستی" بـ"سران" خبراء، تحکیم و استخاره تبیر و اینها امپراتوری لیستی، این تمام تحریری است که بک دولت بیرونی و امنی دارای اسلام‌فلس ساسی و مدون معرفین و اسنکنی دهی‌ساخته که، خودی و اداری به دولت امپراتوری پیشی انجام داد و من درمدو این استثنای عالمی محج و من انسن هنایدی ما این دوران دنیم دادنیه و در چون رجوب متناسبات دهای سی سروپاری لیستی کا ملا تختیم یادنیم امت.

اما آنچه تعلق ساختنی می‌بست استقلال مردمانه دارد، در کشور سلطه از سرمایه‌داری امیریها لستی جهانی است! تهدی نیا-
ن استقلال مردمانه داری گذور سخت شدید و مفهوم نسبت کشیده
و دوند خلقت امیریا نیمسی مناسبات کار و مهامه شامل تحدیقی
نمی‌باشد. و همین خلقت امیریا بعثتی مناسبات کار و مهامه به دلیل کشور
حت سلطه است که تعیین گشته خود و خون و ابطه سیاسی موروزوا-
ی با پرولتاریا، دولت پوروزواری و ساستهای موروزواری می-
باشد. موابایه وجود وابتاً، این مناسبات امیریا بعثتی کار و
رمایه، هنر در صورت تحقق استقلال سیاسی کشور شرعاً مسلطه
نمی‌باشد. هنر در شرایط عدم وابستگی سیاست‌آرگ، حقوقی و اداری دولت
پوروزواری این کشور به دول امیریا لستی، موروزواری و دولت
و در قبال سازه برولتاریا ولاداری‌قابل مبارزه دموکراتیک
میگو اشاره مودم، ناکسر از طرح و انتقاد سیاست‌نهضه و ارتضاع
امیریها بعثتی است. تولید و بازنیلند این مناسبات اذنشادی
امیریا بعثتی لزوماً وسایی سماں مناسب خود را نمی‌توانند
وشوندگی ساید. خواهات موسیل شوست، مذاقه‌هی پنهان
آنکار دولت مستقل و نوابسته موروزواری که نام بروانی-
با محبت می‌گشند ساید **نشان دهد** که جمیں دولتی در مسازده
وللتاریا نسله موروزواری و برای تحریف در درست سیاسی **جه جائی**
رد؟ ساید شان دهد که دولت می‌تواند موقت می‌گذرد موروزواری کدام
پیش سرتله های مرکت بروانی را زاره مصرف در درست سیاسی و سیچن نزد
ای برولتاری سرای سوسائٹی شامم را مدخلن می‌سازد؟ باید نشان
دهند که دولت ملی و ستفقل و ساواسته موروزواری که مسکانی در
الملات برولتاریا دارد؟ محل بروانی‌ارای ایران آن نیست
آ، چنانچه موروزواری ایران مستقل نخاند، رادر مقابع از بروکسی
امیریا بعثتی برولتاریا با زمان می‌گرد و با اینکه تحت قیمه‌هست
پوروزواری سک کشور امیریا بعثتی؟ اینکه موروزواری امران چه
سایه سیاسی مشتابی سا موروزواری کشتو امیریا بعثتی بروانی
کلوب و بروکسی او و مژوار سازه معلم برولتاریا نیست، معلم
وللتاریا درایست که چکوته می‌توان سرکوب امیریا بعثتی آنچه
سته و چه مستقل [را از بنین نمود؟ تکوشه می‌توان درجه‌های تابودی
مناسبات امیریا بعثتی کار و سهرباب مرکز کرد؟ چکوته می‌توان به
درست سیاسی تزدیک شد، قدرت سیاسی را بزرگ کرده و امنیت
سیاسی را اطمینان می‌سازد کار و سهرباب امنیت داشت

از بیک مارکسیسم کا پیکاپ تورنده است کہ متوان اکاہات
سرای مدنی این بدیده حاصل سیاست امیربا ایمنی را دیده
گرفت : از طرفی جنک امیربا ایمنی حاصل ، سونوٹھائی
اراٹھ میدھد ، کچ جوئے نی تووان از طریق بیرو منڈی
بیروندھائی مالی و منافع اقتداری ، بک دولتم کوک راکھ از
نظر سیاسی مستقل اسیدہ مباروہ میان قدرت ھائی سروک
کشاد (اسکلستان و پیرشال) ۔ از طرف دیکھر ، تجاوز به
دموکراوسی ملت ھائی کوکوک و خلائق صفت نر { یہ از نظر
اقتسادی وجہ سیاسی } میا ساختیما (ابولسد) ویسا
یا انت پیوستن ھنک ھائی کاملی بہ دشن (چک ھا) علیسہ
”خامن“ امیربالیست شان میکردد. از هم اکتوبر ، این
امر تد تنہیا از نظر سرمایہ مالی قابل تحقیق است ، بلکہ
کا ھی سرای کارپل ھا و تراستیا سخاطر سیاست امیرسا
لرسی شان ، سرای ھنک امیربالیستی شان ، وبخاطر
ایسک عملیات نہ تھی ”شان“ می خلر نہیں فند ، مزیحتیا
و دوقدمہ سودہ ”تحقیق یا فحیصی“ است . ترا موسی کردن خلعت
و بیزہ میانساتیا میان اسٹرانڈزک و مکران بر جا و پہچانی
کلمہ از بیکر کرده ”امیربا ایمنی“ دفع ریطی به مارکسیسم
نداوارد . (ناکید از مامت) .

دوستگاه مهم در نقل قول مذکور از لحن عمارت است از (۱) اسد لال ساسی کشود شدت سلطنه از نظر سرمایه مالی ایام پیش برداشتم - تسبیح در کار و نکاح سرمایه مالی راهه مفهوم گلمسی اعیری سایر چیزی نگار هم بود) مخدوی یا فقیه است. یاده بیان مکر شناخت و تقدیمی "بایه بیراییم" به معنیور مناسب اقتصادی صرسی، ندارد (۲۰). کاهش اوتات برای کارتل ها و تراصداها و باز- لطف برای دولت های آنها" استقلال شناسی" بیکششون محض است ملکه بیرونید است. تنهای شوجه به نگاه اول گافی است بایشام استدلال مسیان - ناسیور ما بایشانی مارا که دولت است نایاب است و مستدل بوروز ائم را بین دولت "صدای بیراییم است" افاده ای منداد بایه بیراییم "بخورد بپوشاند" برولا میارد. انتظار همان یعنی بیکششون تسلطه، معنی عدم و افسکن دیده شنیدگی، خودخواهی و اداری دولت این را کشور به این با آن دولت با اندیاده میان اعورها بیشتر. فراموشیده و تبریدن این دولت اندیار دول اعیریانیم در زمینهای دیپلماتیک و در زمینهای سیاست های روش های خود در سخنورد به دست کارگردی، کمکسو- شیستی و دموکراسیک کشور خود، طرح و انتخاب مستدل های سیاستی در همانله ساصلی و معملات مباروه بیانش در کشور خواشی، آنها ای این سیاست های "مستدل" دولت شناوسته و غیره غرائب مردار از دول امیریانه تیزی ساده و نالمهم خنده دارد؟ آیا سیاست های این دولت مستدل، داده های بایشی است؟ آیا این دولت سیاست های خود را "مستدل" از نیازها و مزوریات ایشان و در گز سرمایه درگذشت سلطنه خود می باید؟ آیا این دولت مستدل در فقار و امّت، مناسبات سرمایه داری درگذشت سلطنه بخورد "صدای بیراییم" در قبال بیشتر کارکردی و کمکسوی و در قبال دموکراسی در پیش من گزد؟ خلاصه ایکه آیا این دولت بیروز ایانی مستدل و ماواسمه اندکه موسیم و این اعشار پیشیده دعوی ایکست بیست؟

مکارهای از ارسالات متفوک حرب جهیزی اسلامی و سوسیو-
دکن اثبات شده و مستند نیز اینها معتبر کنیم | هر آنکه این
مکارهای معین کنند، در تحلیل ماده از دو این موسیال شویمیست
ها باید پرسید که چگونه خصمی و خواهان | مکمنی بوزوایشی و از لحاظ
سنسی مستقل و ناوابسته است؛ تکومنی است که از لحاظ دبلمهاد
ندک، اداری و حقوقی فرم اشاره دارد همچنانکه از قول با اتحادیه
خای سیاسی امیریا لیستی نباشد. سیاست های خود را در فریمال
جهنم کارگری و چخوشنی و طالیات دموکراتیک مردم بسدون
رهنماود و معاوره مثلاً سیا و پیشناکون | خود مستقل شریعت می-
گند. مبنیه های بیشتر این سیاست ها را خود مستقلان، و بسدون
دستور گرفتن از شواروس این با آن دولت امیریا لیستی تعیین
نمی‌دانند. ماده این احراز این سیاست ها... و این... خود

ପ୍ରମାଣିତ କାନ୍ଦିତ କାନ୍ଦିତ

سیاست‌نولوچ سرمایه‌داری مستقر شده ولذا جمین کارگر-کشاورزی در این کشور همان‌پواسنese به ملکیوم دفعی آن وجود نداشته باشد. برای کشورهای سرمایه‌داری محظوظ شده که در این کشورها بروکولاریا و لذت جنیش کارگری وجود دارد و تنوع فتوات و سرویس‌های خود را اطمینانی را تشكیل می‌دهد، اهمیت عملیاتی را رعایت نموده لبینی مددجوان هی کرده. سیوال، تعیین و کمیتی‌سازی شناخته این حقیقت توجه دارند که سرای "کارتل ها و تراست ها" و دولت‌های آنان از نقطه نظر سیاست استراتژیک شان، شدیدت‌های مهابیت و استفاده از ناسوسیال - رفومیسم علمی‌گردی‌نمی‌نمایند. استفاده از جریان ناسوسیال رفرمیستی علمیه جوان بروکولاری انتقالی و حمام استفاده از مطالعات سوروزواری کشور تحت سلطنت سرای استراتژیک ناسوسیال - رفومیستی جمیش انتقالی علمیه ملکیت است. بروکولاریا "هریخا سودمند" می‌باشد. مادر شاهه "دُوچناره" در خانه سوروزواری امیریا لبینی "در مردمه جگوگی انتظام و ساده‌سازی استراتژیک و نیز شاکنی امیریا لبینی امیریکا با حرکات و میاس های رهبری ناسوسیال - رفومیستی جوان عجمیون انتقالی علمیه ملکیت است. هردو جناح سرمایه‌ی خوده سوروزواری مذهبی آن که دولت می‌باشد می‌باشند. از آنکه این رهبری ناسوسیال - رفومیستی بزمی‌مند بحوالات قیام مکومت-مستقل و نوابیسیه خود را مستقیم می‌زادان امکان را فراهم می‌آورد که سیاست امیریا لبینی در سرکوب انتقام استلال به تعقیل من گفته‌ایم. در اینجا مانشان ماده‌ایم که چکوشه پس از آنکه این رهبری ناسوسیال - رفومیستی بزمی‌مند بحوالات قیام مکومت-مستقل و نوابیسیه خود را مستقیم می‌زادان امکان را فراهم می‌آورد که سیاست امیریا لبینی در سرکوب انتقام استلال به تعقیل من گفته‌ایم. در اینجا مانشان ماده‌ایم که دموکراتی و نابودکردن دستاوردهای دموکراتیک تمام در انگلستان و شوپنگ‌های نوبنی و در نهاده سیاست مستقل و "داد امیریا لبینی" به بیش مرده شود. "حرمات ناسوسیال شویمینهایی" که مدعی انسان‌محکومت و این‌عنوان مکومتی مستقل‌بنا و ایستاده است. "داد امیریا لبینی" را در ای شناخت امیریکا "لکت و می‌کویند"؛ حراثتی که دختر هم مثلاً انتقال نثارت امیریکا را پس از آنکه سودمند داد استخراج‌بازار در مقابله با روزنامه جمهوری اسلامی امتحان کرده است. گذیر حركت سایر ای خلوک‌گری از انداماتی بودکه جب سیداری داشتند بود، شنوندو گرامات "داد امیریا لبینی" این چنین می‌صوتت بخورد کارگران می‌شدند، آشاغویانه‌ی آنند که برای بسیاری از این‌جایی و امیریکا لبینی "بریکس" از نقطه نظر سیاست استراتژیک پیکتان روش سودمند می‌باشد!^{۲۷}

بن و قتنی هادار بینجا از سیاست‌لر شویمینهایها معنوان عالمیین متعدد بوروزواری تعجب کردند. نایاب این شبهه بیش آن‌که آسیا، مثلاً عالمیان شنود و نک فتن از سوروزواری، یعنی عالمیین سوده، بوروزواری لبینی‌ال‌حشت که مثلاً اندیمه دولت مستقل و نوابیسیه سوروزواری را این‌که مطالعه دموکراتیک بروانه زد و می‌عیندند! مطالعات دروسی اشاره مخالف سوروزواری از سیکدیکشن‌ها بین این شفاه از زینهای صادی در تحریک‌دار کردند که درست گذیر بوروزواری شنوندو امیریکا در دهدت تربیت و سرکوب بروانه رسانا می‌شوند. این‌که بامیریکا دنکر متواتد در مهاری، سایی کنسل بوروزواری بایرونیا و امیریک کشور معنی و دریگ مقطع شاره‌سازی معمن شدنی موثر را در خانه مملکه و نا مین معا طبله شنی بوروزواری از این‌که مطالعه دموکراتیک، و بوبیزه استلال سایی می‌تواند همچو از دشنهای درود بوروزواری کشور شفت ناظره. بلکه در دست بوروزواری کشور مهاری، بمعنی و این اینوار فربی کا وتران و سرکوب جوان انتقالی بروکولاری خدمت کردند؛ بروکولاریا آن هشتمان می‌باشد در مهاری دموکراشی-که استلال طبقاً خود را خاند که می‌واره اش را مرای مقدیست مطالعات دموکراتیک با مبارزه علمیه کل بوروزواری، می‌باشد؛ برای مرکزی‌سی بوروزواری و مبارزه برای سرفت قدرت سایری تلقیلی کند.

ရန် || မြတ်လွှာ

حال، پس از بیرونی خودر مشترک اصلالات موسالا شوسمدی
شنان دادن سدن آسان به عموان عاملین شدود بیوردازی در
کارگری بیوردازی به "موردیدهای" و "نحوهای روزندگان
گفته شده است. ناسیه عمارت دفعصر مفاوض موافق موسالا شوسمدی
گان از حاصلت موسالا شوسمدیم "اکترب" نخست می‌
بیم به شرح این دادسان که چونه رومدگان بی امر مخالفه
گان ۱۲ گوشیده است حدود رزرس رزرس سری کارهای دینی همان سازد:
مرمناله رزمندگان ۱۳ میں از ترسیم اوضاع و درشودن حمام
لات "امرسالیم آمریکا": کودت، دجالت طاوی می‌ساخت
؟" به طرح تاکتیک زیر مرای مقابله مانعولات (محالی
بیوردازی می‌شد:

در مصوب و قرع اندیج گفته شد که اختهال آن بر عده منع است
او بایم به جهده سواره طباشان گوشی بفرسخ تر نشسته و
وطاب گومیسته و انتلادهون خاسته و دتفتیر دواهگشت
... در چنین از راهی شنی ایست که آنچه جمله گومیسته
و اسلامیون در درجه اول و بعدتر ساید متوجه پاسداران
طیبی و عده نظام سوارهداوی و ایمه معنی سوروزاری
لسرمال و مهدان امریبالیم ساند. گومیسته و اسلامیون
پسون ساید ستواند از شاد خردمند سوروزاری حاکم سیسا
امیریالیم و نظام سوارهداوی و ایمه استفاده نموده
و حتی در مصوب دستخی و درین شناسون سرمهایه ازی و ایمه
جرده سوروزاری حاکم را که میتواند اسلامیون و معاشر خود
داده و ایجاد نهودن یکشندگه و دیده اثرا ای امورا
لهم شماره سایه سعادی سمع سوارهداوی و ایمه شناسید
اما باید موجه داشت که تخت جمیں ساکنکنی و سهورگزی
استلای از شنايد عوده سوروزاری حاکم با امیریالیم
سکونت نموده و ایمه کنم دیه مشکل جی و پیشه اخلاق
هر چنانچه ایست کد از میانی)

نه خدمت گرفتمن یکی از مطالبات عمومی دموکراتیک بعنوان امروز
مردم و سرکوب کارکنان سرپرداز ساخته است. اما برای سوسال
نویسندگان ما دولت سوروزاشی و مسامعات و نکل این دولت نه
تحمیم جندوچون راسته سیاسی کل سوروزاواری سپاه پاسداری، بلکه
تحمیم جندوچون راسته سیاسی "دلووا" ، "بردم ما" و دریک گلام
سوروزاواری ماها میربا لیسم بعنوان فیروغارت بروون موزی؛ با
نه سان کلی تر حجم جندوچون راسته سیاسی انتشار گرفت.
سوروزاواری باشدیگر است. اکنون که درکر "سوروزاواری ملی اسطوه
شده است" (البته از سطح همراهان در فرهنگ تند) آشنا مولی
تدبیس حکومت نا و اسلامی اسلامی، که تحقیق همان آوروزی دربریمه
دولت سوروزاشی منتظر می باشد، شنوری "ترکیب حاکمیتست" ،
"کاست" و "فسر" را غردد می کنند و لیست ترکیب حاکمیت را چنان
ردیدند که یکی از شفات و افشاوار "خطی" ، "سمه خطی"
و "حدا میربا لیست" - و منتها "خرده سوروزاواری سخنی موافه دارای
تمامیت اسلامی" - در آن لیست خود را انداده شاند اما اعتماد
حضور این عنصر "حدا میربا لیست" در پروردگاری ترکیب حاکمیت و سپردن چو-
مومنی سه این عنصر، حدا میربا لیست بودن دولت سوروزاشی مستقل
شان قابل دفع و توجهی نداشت. این شنوریها ی شندس حکومت
خدمتی و شرکا بعنوان حکومت حدا میربا لیست در پروردگاری جمک
گنوی "مریل" پیاده شدن در موقع سوسال خویشنسی ایست.
"اکنثربت" ، راه کارگو رزمندگان اسلامی از چنین "مریل"
شنوریگی ایست که به موقع سوسال شویشنسی و سدهاده و در جانبه
مندگر می شود که بیکار سدین حاطر، و شاه آنچه نتوانسته است
نه موقع اقطایی سزدیگ کرده که در پروردگاری جنگ صربها این
نمودری "حدا میربا لیست بودن" حکومت شاواسته را مدبور ایجاد کرد.
استندل حضرات سوسال شویشنسیها در مورد حکم خان ایران بودند
که ایروبالیسم آمریکا برای سریگون کردن دولت مستبدان و نشان
وابسته اسلامی و روی کار آوردن حکومتی و اسلامی دست به نه حسم
رده و ساده در خدمت حکومت اسلامی از استندل ایران دفاع کرسید.
ما نویفا شان دادیم که اولاً استندل سیاسی آسواز و دادوست
مستقل سوروزاشی شناخت و معاذی سا ایروبالیسم سواره شان داشتند
دولت سوروزاشی ناما طالبی ای سوروزاشی است و مراجعاً این
عمل ائمه بعنوان مطالبه ای بپردازیان یعنی اسماعیل عاشق عالی
نهضه سوروزاشی در جمیں کارگوی، شان ائمه این مطالبه دولت
استندل در تراطی اتفاق ایران در دست کل سوروزاشی ، بعنوان
سیار فرب و سرکوب کارکنان و جوانان اسلامی سردنی خل کرده
و هم گفت، حال سینیم که موقع سوسال خویشنسی دفاع از استندل
امراً در کنار حکومت شاواسته اسلامی چگونه در حدمت شااست
سوروزاشی به رهبری سوروزاشی اصحابی و ایروبالیسم آمریکا
نتمد گردد - و با اگرور مندگان بخواهد - بالین سیاست "همو" می-
۱۰۵۵

 *गुरुवी विश्वामित्र*

بررسی است؟؛ و زمیندگان با مشاهده کارسازه می‌گویند این اسد
ما هیبت حکومت، ما هیبت خود و بورژوازی مستی، ما هیبت فساد
نمایلی! ما هیبت در نظر زمیندگان بعین همان روزو خارجی!
زمیندگان بوسیای مشاهده این "سورخارجی" با "اکتریست"
بوروسدی می‌کنند؛ بنابراین اینکه چیز اختلفی در اصل قصبه، بعین در
تحلیل طبقاتی و در شوری "ترکیب حدابروسا لمسنی" حکومت نا-
امسته خوبی و شرکاً در میان ناشد.

بدین گونه ، اخلاق و "مرزوقدی" روزمندگان و "اکثریت" مورزینیدی واخلاقی طبیعتی ، اخلاقی در اساس سیاست و منشی کشکی آنان در برخورده به اخلاق و نیز در برخورد به حکومت گهه اخلاقی در جوکویی اتحاد یک سیاست و تاکتیک واحد است .
جهان اوضاعی هم که روزمندگان ۱۳ پیش بینی کرده بود و مشی کشکی خود را در قبال آن طریق ساخته بود در شکل جنگ گتوسی خ پنهان دهد و روزمندگان نیز همان تاکتیک اکثریت را با سعی در بخطوط و اینست مروزمندی در جوکویی اتحاد آن ، اتحاد گذشت .
اما دیگر اکنون سواب کی چندان منکل نیست که بگویی بگویی
گمیک و رمندگان و "اکثریت" را مامناهه این شکل سوپریال
و پیشنهای آن در نابه و روزمندگان با راهبه شلاش می افتد (سوپرالله
روزمندگان ۲۲/۰۴) که حضور آشکار شده ارشاد رادر جنگ بیرون گزار
دیده بیان ساز و مددود دیدارته "مرزوقدی" بیناید . اینبار
بروزمندگان همان موالی ای که مارا به منابع مذاهب مذهبی مفسرها
و والت میدهد . طریق میزاد : آنها هیئت حاکمه که این روزها
به مردم ای ابوروتونیستها (اخباریات و میراث جنگ سخن می گویندو
سر این تقدیم کی کند . سه خاطر این "جئک مقدن" خود با هیئت
شروع عراق . "جئک مقدن" بر علیه خلق ایران و جهش استقلالی
ترکی گرده است . باس سه این سوالات است که مع ابوروتونیست
ای و آنکه امور رسمخانه به این دادمه از جنگ سلطان جنیوری
خلال بین مکوینه می باشد کیم کند ؟

وزمندگان مجدد ایرانی "پیشان ساختن ابورتونیستیسا"

ویا مه میانه حکومت و می گشاید؛ آغاز چنگ با عصر اسلام
هراء است با شنیدن جنگ بر علیه خان کرد، هر راه است سما
ده کرد، و خوبیه و سامور نظریات، تعمیق معلمات رسیل
نمیگردی اقلامیان در سیره‌های تئثیح مکرمت شده مطلعانی در فاش شم
بهر و غیره ادامه معمن چنگ است. در خوزستان به ستاد
شترک شیرهای گونه‌نشست عده‌های شود. در اهواز چادر مجاہدین
حق موره شیرین واقع می‌گردد و سقطیل می‌شود. در همه جاها
وچکردن طن راجح به گهواره‌بندی بودن تا مطلع سلاح و دستگیری
شان به پیش می‌روند و ... اینج...

روزمندگان هر آسان این مساحت را وعده حاصل از آن می کوشند
بصورت آشکار شده اشاره را در پرونگ "اکتوبرست" بعنوان سازد."اکتوبرست"
کنونی آنکارا و سوختگاههای به مدارفه از چند بخارآجنبه سوپری
ملطفی مخفی نمی گیرد". و اما روزمندگان مردمخانه به مدارفه از چند
بخاطر سپوری "سلام بلکه سواری" دفاع از توده های سوپری
تنبلال و استلال ابران "شیخ می گردند. اما روزمندگان علی رغم
حایز درستگاشت در عملی به دعا از جمهوری اسلامی میدستند که
کارکرد "کارکرد" همچنان که در

زرسیده کان می‌سوبد: «خان از توده‌ها، وودم - انسلاط
و استقلال ایران در قبال تجاوز عرب ساخته باورگشته است
که می‌باشد در سیاست مساطق جنگی دهبال گردد» (ساله شماره ۲۴)
اما شوده خای مردم خود: «بل جنگ و دشمن، واپسی و طیبیم
در دفع از استقلال اسلامی خود خواهند رسید و راه را
از اسرازگفت امیوناتیم و با استقلال اسلامی خود خواهند رسید، شوده‌های
پیغمبر اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد که امیرالملیک‌ها از منازعه
شدن اسلامی شان بوعله و زیم خبریور اسلامی دور نموداری می‌ستند
[بهایته شماره ۲۰]. رزمندگان که سرتخته به دفع از توده
های مردم خود می‌گردند. اکثر مردم نموده‌اش شنیت زاده رام و پوشکرد
را پیغام‌ران اثنا باری کرد. حتی مسوان گجریان ساری ساند
که استنباط مطالبات، ممامه بوده‌ای «خان ساید و این‌نام

نهنجان که پیدا است رزمندگان در ۵ خرداد ماه ۱۴۵۹ به عرضی قربت پینت ماه بش مادگی روزی خود ایرانی امتناف ساخته و حکومت را نبتو لوا اشتلاف باختی از آن و سه زعم روزمندگان بخ خوده را مسایلی برپا نموده برماید ایرانی انتقاد آفرین امیریا همچنان شمار مغوف بورزوایی اعلام می‌دارد. هنور موکب معاوله نامه زمزمه نماید کان با حکومت شناخته که "اکثریت" مانعیت شناخت در آستان بورزوایی بخی کار ۵۷ را منعتر می‌نماید. رزمندگان از اینکه "اکثریت" معنای عملی موافق اوراسایه هستگام به شایان گذانند و رسایخه داشته، سخت برمی‌آشود. کار ۵۸ را "نفوذ در مجلس امور توسیم راست" (رزمندگان ۱۴) می‌نماید و مهدی محدثی مسایه می‌گذشت رئیس شمار از عناصر پردازهای بیهی بیهی از اینکه درست است که این حکومت "جنای خوده بورزوایی ای" نامه ایرانیم "خناد" دارد، اما مکرر همین حکومت نمی‌گزیند اینکه شناخته می‌شاید، ساسور بوقرار کرده و شناسیخات کا ذم سراوه انداغه است؟ و بالاخره رزمندگان ما همیت فضیله اختلاف را رومی‌گذوریم که گوید "اکثریت" شاکستگی و اشخاص کرد که هنوز شرایط آن ترسیمه است. موصی که این نژاده مرسد اولاً حکومت "بورزاره" خواهد شد: بکاره بورزوایی لسرمال و بواره دیگر خوده بورزوایی دارای "خناد" سایه ایرانیم و ماضی عن جمله استثنال کامل خود صنعتی اسنار ایزی خود، من کسب درود هر آنچه که بتوانیم، بطور موقت و متعدد و با شرایط معین با این خوده بورزوایی وارد اینجاد عمل می‌شویم". اما از قدمی گفته اند "هر آنچه هوانید را بینه، بینه در دلخت حمام می‌سینه". بورزوایی همراه خوده بورزو هارا با "واقع بمنی" خود مروع بکرده امتح. برای روزمندگان لازم بود شا تحول رخ دهد تا اینکه بینندگان "... شایان شاهزادگان طرد و جنای خوده ... خواستار هستن کردن شوعله‌های امیریانیم بوده و در این راه می‌جنگیدند" (سازهم درباره هنک)، ولی اکثریت از همان خودداد ماه این مقاله را دیده و می‌گوید "در سلطیه گنوشی چیزی غیری محمد امیریا همیم اعمال فشارها شی ای هرسون است" (کار ۵۹). رزمندگان سا "صف مستقل" خود را از اکثریت منعایز می‌نارند، اما قبل از برداختن به این حد مستقل روزمند کاسی، دستان ملوک رزمندگان مه زیور بهوجم "اکثریت" را دستال گنیسم.

و سامت ناسیونال - رهبریستی بورژواشی را در پیش گرفتند
هرچه می‌کنند؛ این رژیونالان نیز اکثر بالغین روزی بنواید زیر
بیرون کارهای مقام حکومتی را اخراج کردند و اینها خود را در دیانت
را درست گردیدند و از "استقلال سیاسی ایران" دفاع کردند، "سازمانیست"
برولتاریای آزاد و انقلابی از دولت بورژواشی مندل اینان
جزی جز کلوله، کشتار، ساسور و شبیختات گذشتند.

صف متنی که رژیونالان می‌دانند دفعه از توهه‌های مردم و

استقلال سیاسی ایران، شلیعه و سیاست می‌نمایند. مث "استقلال"

منافع بورژواشی در درون هنری کارکرده و گفته شده است. زیرا

مث متنی برولتاریا - مث که گفته شده است ممکن و ممکن نیست

می‌کنند، تنها می‌توانند بازیابی سرتاسر و تاکتیک و سیاست مستقل

برولتاری ساخت. کسی که انتقام بورژواشی خود بورژواشی اینها

کسی که سوسالیسم اش خود بورژواشی است؛ کسی که مطالعه

دولت بورژواشی مستقل و ملی است؛ کسی که تحمل طبقه ای

نظام را کشیده است؛ کسی که از ریاست اش از هر صورت سیاست

ماهیت مودون شود. ما بیندهای ای و پیشنهاد ممکن دادند این

"دویانه" خود بورژواشی است، شیوه‌دانه برداشتم، و می‌توانند

ناکنکی و لذا سیاست طبقه ای مستقل داشته باشند. می‌توانند

کسی که بیانیت واحد را در اشکال و شیوه‌های کیا بشنی

شور خود بورژواشی ای و کمال مطالعه ناسیونال - و فرمیست

بورژوازی امperial به بورژواشی و سیاست واحد کردند؛ و گردد

دارای ساک هریم می‌باشد خوب و خوب، دارای احساسات اسلامیست

و عواید غصناً را بدیگان نیافرند؛ و توجه مدنیتکاری خود را در

احواس و دخفات می‌دانند. این راه و دخجات رسوایی ایسا -

لی و حتی ار مفسوسی ایشان را اشکار نهادند و می‌نمی‌شون

نگهداشند. تنها کسی می‌توانند سیاست و اقتصاد مستقل و مارکیسمی

دانندگ که تحمل طبقه ای و اقتصاد مارکیسمی از نظرهای وجوه

کات بالقوه شکایت از اشکال رسانی می‌نمایند. می‌توانند

حاکم اضطراری که این طبقات را به مرگ درمی‌آورد دست دادند

نمایند؛ سیاست ای مارکیستی براز اشکال می‌باشد و احوال نیز

کنکی و می‌نمایندگی خود را برای این بقطع معین توانند داشتند

تعریف کرده باشند. کسی که ایشان را انجام نداده و در این

نه شوه و اقتصاد مارکیستی نگویند؛ کسی که سیاست ای

و اقتصاد برولتاری سیاست اشکال می‌دانند و می‌نمایندگی خود را این

می‌نمایند. بروزگران بیرون را ایشان را ایشان داشتند

و ایشان را ایشان داشتند. کسی که می‌نمایندگی خود را در

دست داشتند و ایشان را ایشان داشتند. کسی که می‌نمایندگی خود را در

دست داشتند و ایشان را ایشان داشتند. کسی که می‌نمایندگی خود را در

دست داشتند و ایشان را ایشان داشتند. کسی که می‌نمایندگی خود را در

دست داشتند و ایشان را ایشان داشتند. کسی که می‌نمایندگی خود را در

دست داشتند و ایشان را ایشان داشتند. کسی که می‌نمایندگی خود را در

دست داشتند و ایشان را ایشان داشتند. کسی که می‌نمایندگی خود را در

دست داشتند و ایشان را ایشان داشتند. کسی که می‌نمایندگی خود را در

دست داشتند و ایشان را ایشان داشتند. کسی که می‌نمایندگی خود را در

دست داشتند و ایشان را ایشان داشتند. کسی که می‌نمایندگی خود را در

که او در جنگ برای توهه‌ها برومی‌شود و توهه‌های را بدیگر ایشان
نهان و بازمان باشند در میان برای دفاع از ایشان منافع شنیده
می‌کند عبارت است از: "استقلال سیاسی ایران" و "اجازه‌داندن
به ایشان امیریسته از میازده شود" ها سرعالیه و زیست‌جهادی
اسلامی بینه برداری می‌نماید! و دفاع از استقلال سیاسی ایران و
اجازه‌داندن به امیریسته ایشان در بینه برداری از میازده شود
ها علمیه جمهوری اسلامی جز دفاع از جمهوری اسلامی چه می‌نماید
دشی می‌نمایند داشته باشند؟

حسن مداغه‌ای از از رسم جمهوری اسلامی تمام آن "سیاست
مت‌ما و دیگریست" (مخوان موسالل خوبیست) است که مث مستقلی
که رژیونالان تبلیغ و دنبال می‌نمایند بیانگر مستقلی است. و این
مث مستقل که رژیونالان رسیار مایل است ایشان ایشان مث مستقل
که گفته شده است بگذارد، در حقیقت این عبارت است از مث دفاع از
بورژوازی در درون جمهوری اسلامی.

کسی که بیواده که بیانگر است و بیانگر وظایف گفته شده
مود عمل کند باید بیانگر کارگران روش مازده که بورژوازی بگشته
طیله و اعد است و بگشته واحد ندارد. باید بیانگر روش مازده کارگران روش
سازد که اشاره مختلف بورژوازی و شیوه‌های کارگران روش
فرمیک، این بیانیت واحد را در اشکال و شیوه‌های کیا بشنی "مستقل"
شنیش و دنبال می‌نمایند. بینی‌در این بیانیت رادیاراگان و شیوه‌های
های لیبرالی دنبال می‌کند: حرب جمهوری اسلامی در اشکال و شیوه
های شیوه و میکار در مستقل و شیوه‌های مستقل خود، "اکثریت" نه
در مستقل و شیوه‌های خود و رژیونالان نهاده شیوه خود.

ما گفته شده بورژوازی در اشکال متعدد در زندگان بیانگر
رسکارهای او آکاه سازیم. باید بیانگر کارگران روش مازده
یک بیانیت واحد بورژوازی است که در این بگشته و بیانگر و باید
راسته‌های در زندگان در زندگان بیانگر شده باشند. بینی‌در این بگشته
اسه. باید بیانگر کارگران بیانگر که خاکیست و سلور بیانگر
بورژوازی در شود خود ایشان را مورد بیانگر و شیوه‌های فرازدهد.
که احسانات و خرابات مذهبی عقب مانده‌های توهه را می‌بورد
آن‌شده قرار دهد. در زندگان بیانگر ایشان است که آکاه گفته شده
و نهاده بگشته دموکراتیک کارگران را مورد بیانگر و شیوه‌های فرازدهد.
دو مرد اکثریت ایشان است که از غیره و شیوه‌های اشکال ایشان
استفاده کند و درینه و رژیونالان ایشان است که آکاه گفته شده
کارگران بیشتر را ایشان را بگشته بیانگر داشتند. بیانیت روزگاران
سی‌دهم و بیانیت جمهوری اسلامی شناسی در خاص معرفی آن شناخت
ایشان روزگاری دوچار بیانیت شناسی آن و سفر نه در میانی آن بیان
استفاده از ایشان درینه و دلیل بورژوازی و شیوه‌های اشکال ایشان
بیانیت روزگاران داشتند. بیانیت روزگاران بیانگر کارگران
و این بیانیت در ایشان شناسی شناسی شناسی همانطور که مایل است ایشان
بعد گردیدم شناسایی بورژوازی ایشانی و امیریسته
آکاه کارگرانی سرکوب اشکال ایشان علاوه همی و مطبوع است. مث
مستقل روزگاران در دفاع از استقلال بیانیت ایشان بیانگر ایشان
سیاست بیانیت و این مث است که مث میانیت شناسی
هیان استقلالی است که مث میانیت شناسی که از خوبی شفعت
کوچکه فرماندهی شناسی را مستقل از ایشان و میانگان در فرم ایشان
تجاوی عراق سر یافته کشیده کشیده ایشان را مستقل بیانگر داشتند و با مث
دشی سیاسته جامگان داری بیانیت فوریه که نه ایشان و هم ایشان
با میانگان و هم ایشان میانیت شناسی مستقل است.

مایل است کارگران بیانگر که این استقلال متفو و سه
اور کنی استقلال ایشان بورژوازی ایشانی ایشانی ایشانی
ب ای ایست که میانگان ایشانی سیاست مختلف بورژوازی بیانیت
دای خوبی را سیاست ایشانی ایشانی ایشانی ایشانی ایشانی
و درسته گرفته ایشانی ایشانی ایشانی ایشانی ایشانی ایشانی
به سرکوب ایشانی ایشانی ایشانی ایشانی ایشانی ایشانی
ده ای ایشانی ایشانی ایشانی ایشانی ایشانی ایشانی ایشانی
کا دشی میزید، رژیونالانی که کوشیده است و می‌کوشید خود را ایشانی
جنو، دهد، رژیونالانی که در لباس مارکیم بیانگان نهاده است

مورد اول است) جمیعت کمونیستی ما که ازد ناسویان لیسم خود را
سوروزانی و میاره، دموکراتیک-بلی برخاسته است تاگر برور بطن
خود نظفه های هرس جربان عده سویژا - لبریال - خرد - سوروزا -
دموکرات و اسلامی برولندی را حمل کرده و می پرواند. اهمیت
واقعی هرچشول سیاسی برای جمیعت کمونیستی در این است که امکان
می باشد، و باشد، که در هیماره ساز جربانی که عمل مختنواری لیدرو
این خود رهبری و انتگار و شهوهای سطرات موسایه و تاکنیک شان دو شعار هست.
موسکویی و انتگار و شهوهای تعالیت سیاسی شان آشکارا می گردد را
از آنکو چنین بلیدری کرده و ایکسانی راکه شواسته اند غیرزبانه اغلب این
خود را دربر برونو نمودیکی به شتوري و تاکنیک سارکیسم خطط گشند،
در تصحیح نظر اشان باری دیدوا زاین طریق به تشبیت برنا مهه
و تاکنیک کمونیستی، در جمنس کارگری و اپنین وزنده کردن شمار
ها و شیوه های تعالیت اسلامی برولندی و دریک کلام تحکیم و در درست
با اپنین جوان اسلامی برولندی بگوشت.

اعیتمان این شغل را - بعد از چند ماهی پرورشی در آزمودن این تجربه در دو سال این است که با ۲۰ کارکردن معمتوای لیبرالی مطابق بپرسیده ای و ناتائجیکی روزمندگان - و این راه را کارگزرا - باگذاندن حبوبی - انسان به زیر سریعی مامنعت کار را دارد - که بین این امراء بتوسل به ارادتگذاریم وظیفه ای عبارت هب خودروشان را برای بسیاری بسیار می خواستند - و خود را خودشان بخود راه نمودند - لیبرالی را در حضیرن گذشتند که مسافرین درآوردند - هرگز که بخواهد گذشتند این سایه ساده و وفاداری مادرانه آن را بپوشانند از این نایابی کردند - هرگز همچو شنیدن که به سروش خدمت خود ملاقبت است و این اتفاق را در این حزب گذشتند که می خواستند این اشتباه را بایسند - حزب گذشتند که می خواستند این اشتباه را بایسند - این اشتباه را بایسند - هرچنان یعنی در این سوال - و سنتیتی می خواستند که این اشتباه را بایسند - هرچنان یعنی بیرون رفته و در تئار "کلیندز" شناسای خود را از مکانیک - بنی گردیدن "زیب تونده" - که اکنون معاون بیک حزب میانی در حال روزانه است و مفضل بیش از بیش به بیک دفتر حاوسین و دفتر منواره و روزانه این امشی اندکلولوزیک - میانی میان روزانه این اشتباه را بایسند - کاکا هش میانه - ما خود طواری میان روزانه این اشتباه را بایسند - لیبرال ایران را در خارج از اجنبش که می خواستند دستال کردند - مابه همین خود را درین خود در این راه گذشتند این و در این زمینه سخنران دیگری اند این بارها و هواداران گذشتند - روزمندگان که جلب را دیدند که لیسم گذاشتند این سازمان را داشتند که بعد مطرح خواهیم کردند.

این مقاله می‌بینید: «ابن حکم محل و زمان سپاه سریع دیدگاه‌های اساسی و متداول‌وزیری جویا نات مختار کمونیستی است که اعلیٰ درویش طاهر آراسته موابع روزمره پندتیان بودند...». (دررساره چنگ...) اگر اثارة به این مقاله برای «غیر اندام»، «حالی کردن دل حریقه» و «وحجزخواستی» نباشد یا بدور و شن کنیم که اهداف و اغصی سیاسی «تعویل سریع» درج گشت؟

اهمت و اغی ساسی هرچوعلو سریع در اواخر در اینست کشید
سازه دفعه و معلمی مسامع اساسی طبقه ای ، تمام شناخته موسماه
ای و اشتکنی جزیئات مختلف را در چگونگی ارزیابی کرد و این ایجاد
تویی بسته می دهد و شواهد شبهه ها و اشکال فعالیت سایه می کند و از
و اسخاد می شماید . او منظمه شعر انتشار این نظرات بر مبنای
اساسی طبقات اطی جامعه علما و حکم زده وه فنا و دین است .
برایه این تحویلات سریع و رطومت انتشار شدن محضای طبقه ای
نظرات سرناهای و اشتکنی عربیات مختلف و ممتازه میان آنان
است که جامعه از لحاظ گروه هندستیها ای ابدیتولوژیک - ساسی هر
جه سیاست به تفکیک و ممتازه شدن سه جزیران عده طبقه ای بینی
جزیران بوروزا - لسپرال - خوده سوریزا - دموکرات و جزیران انتقل
سی بروزترین تحقیق با به طبقه اطی نزدیک نرسی کرد . خدا بخی
های میسا بخی ، جزیرات بینا سیستی و نثارات و سیاست های " مایه "
طبقه ای - هرچه بیشتر زوال ساخته و نیزه های و اغی مکان خود
را در بیکی از سه جزیران عده سارمه بیاند . اهمت این موضع
از دولطای طرای کثیر ما بیویزه برجسته می کرد . اول آنکه کلیه
طبقات مردم ایران هنگام قدم در مسازه افلانس گذاشتند و
شکاین و اورد کاوارز بیکارهای سنتی خانه ای شدند که هبچک از
کمترین شدارک برداشت های و اشتکنی سرای اسلام ، از گمرتیں
شدارک ایدیتولوژیک - ساسی و شماره ، شبهه ها و اشکال و سی مباروه
سیاسی آزموده و تثبت شده برخوردار سودمند . ایک در میان ترا باید
انقلابی و تداوم آن کلیه طبقات مردم ایران صنعتی سازه عظمی
و سیاسی تدارک برداشت های و اشتکنی بود این ایجاد اراده برادراد
حاشیه سیاسی خود امامه با خانه و سلاحی های مختلف ، شعار های
مخالف و اشکال و شبهه های مختلف را در عمل می زمانت . در چنین
و ضعیت عمومی طبقه ای هرچوعلو سریع و هر سند بیج سرای طبقه ای
محائف در پوشش ساختن ، متما بروتکنیک شودن علوی طبقه ای
اهمتی می دندان می باید . دوم آنکه که جنبه دیگری از همان

۵۹ جلد ۲

را بخوانید!
و در تکنیروپیخش آن
مارایاری کنید

رفقا!